



Res. article

Metaphors in Address Terms of Azeri Turkish Language

Ramin Marzi^{1✉}, Mohammad Reza Ahmadkhani², Alieh Kord Zafaranlu Kamboziya³

1- Ph.D. Student of Linguistics, Faculty of Foreign Languages, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. 2- Associate Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran. 3- Associate Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Received: 2020/31/10

Accepted: 2021/06/02

Abstract

Using metaphorical address terms to represent sentiments and feelings is an important subject in studying societies. This research aims to study this sociolinguistic phenomenon from a cognitive perspective and has three objectives: finding types and frequencies of conceptual metaphors, their rate of occurrence in address terms used by the two age groups of young and middle-aged women and men, and the amount of metaphorical address terms among all kinds in Azeri Turkish of Khoy. The study employed content analysis and data are collected by field study from 100 native speakers using a questionnaire. Statistics indicated that following the classification of Lakoff and Johnson (1980), frequencies of metaphorical address terms in relation with each other were structural metaphors (267) cases, ontological metaphors (212) cases and orientational metaphors (3) cases. Findings indicated that: 1) the greatest amount of using metaphorical address terms belonged respectively to young women (%39.17), young men (%28.22), middle-aged men (%19.30) and middle-aged women (%13.31), 2) out of the total number of obtained address terms, (%55.1) were related to metaphorical and (%44.9) to non-metaphorical address terms. We can thus conclude that more than half of addresses in Khoy have a metaphorical nature.

Keywords: cognitive linguistics, conceptual metaphor, address terms, mapping, Azeri Turkish.

Citation: Marzi, R., Ahmadkhani, M. R., Kord Zafaranlu Kamboziya, A. (2021). Metaphors in Address Terms of Azeri Turkish Language. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 9 (33), 85-102. (In Persian)





استعاره در عبارت‌های خطاب زبان ترکی آذری

رامین مرزی[✉]، محمدرضا احمدخانی^۱، عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا^۲

- ۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.
 ۲- دانشیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. ۳- دانشیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۰

چکیده

استفاده از عبارت‌های خطاب استعاری در بیان احساسات و عواطف، موضوعی مهم در مطالعات جوامع به شمار می‌رود. پژوهش حاضر به منظور بررسی پدیده اجتماعی عبارات خطاب استعاری از منظر زبان‌شناسی شناختی با سه هدف کشف انواع و بسامد استعاره‌های مفهومی، بسامد وقوع آن‌ها در دو گروه سنی مردان و زنان جوان و میان‌سال و میزان وقوع خطاب‌های استعاری در رابطه با کل آن‌ها در گونه گفتاری ترکی آذری خوی صورت گرفته است. روش پژوهش، به شیوه تحلیل محتوا است و جمع‌آوری داده‌ها به روش میدانی و با استفاده از پرسش‌نامه از صد گویشور خوبی انجام شده است. آمارها نشان می‌دهد که بر اساس طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) بسامد هرکدام از انواع عبارت‌های خطاب استعاری در رابطه با یکدیگر به ترتیب استعاره‌های «ساختاری» (۲۶۷) مورد، «هستی‌شناختی» (۲۱۲) مورد و «جهتی» (۳) مورد، نگاشت شدند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد: ۱- میزان کاربرد انواع عبارت‌های خطاب استعاری به ترتیب به زنان جوان (۳۹/۱۷٪)، مردان جوان (۲۸/۲۲٪)، مردان میان‌سال (۱۹/۳۰٪) و زنان میان‌سال (۱۳/۳۱٪) اختصاص دارند. ۲- از کل عبارت‌های خطاب به دست آمده، (۵۵/۱٪) مربوط به خطاب‌های استعاری و (۴۴/۹٪) مربوط به خطاب‌های غیر استعاری است؛ یعنی بیش از نیمی از خطاب‌ها در خوی ماهیت استعاری دارند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، عبارت‌های خطاب، نگاشت استعاری، زبان ترکی آذری.

استناد: مرزی، رامین؛ احمدخانی، محمدرضا؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۹۹). استعاره در عبارت‌های خطاب زبان ترکی آذری.

فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۹ (۳۳)، ۸۵-۱۰۲.



۱ - مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که مورد توجه زبان‌شناسان شناختی قرار گرفته، استعاره^۱ است. از دیدگاه این زبان‌شناسان بخش عظیمی از شناخت آدمی را استعاره تشکیل می‌دهد. انسان‌ها بر اساس استعاره‌های مفهومی^۲ موجود در گفتار روزمره، مفاهیم را در تبدلات روزمره ادراک می‌کنند و مفاهیم انتزاعی‌تر و غریب‌تر از راه مفاهیم عینی‌تر و مأنوس‌تر شناخته می‌شوند. دامنه پژوهش در مورد استعاره آن‌چنان گسترده و محتوای تحلیل‌ها چنان متنوع است که دسته‌بندی و سامان‌بخشیدن به آن‌ها نیازمند مطالعه دقیق و همه‌جانبه است. در زبان‌شناسی شناختی^۳ که یکی از مکتب‌های جدید زبان‌شناسی است، زبان بخشی از نظام فکری بشر به شمار می‌رود؛ به عبارت دیگر، زبان با توانایی‌های شناختی، تجارب جسمانی و ویژگی‌های ارتباطی و فرهنگی هر انسانی هم‌سو است (عقیلی، ۱۳۹۲).

از بررسی منابع موجود در مورد استعاره می‌توان دریافت که استعاره در طول چندین قرنی که موضوع بررسی متفکران مختلف قرار گرفته است، در چند حوزه می‌گنجد؛ پژوهش‌گران در طول تاریخ یا به دنبال تعریف استعاره بوده‌اند و سعی بر آن داشته‌اند این پدیده را از دیگر صناعات ادبی متمایز سازند، یا درگیر چگونگی شکل‌گیری استعاره‌ها بوده‌اند و سعی بر آن داشته‌اند تا معلوم سازند نقش استعاره در زبان چیست و طبقه‌بندی انواع استعاره‌ها چگونه امکان‌پذیر است؛ از طرفی هم گفتار افراد تحت تأثیر جامعه‌ای است که به آن وابسته یا دل‌بسته هستند و در غالب آن گفتار جنبه‌های مختلف زبان از جمله عبارات خطاب^۴، مطرح می‌شود. این صورت‌های خطاب^۵ رابطه نزدیکی با فرهنگ و عوامل اجتماعی مانند جنسیت، سن، تحصیلات، وضع اجتماعی و هویت فرهنگی طرفین گفتگو دارند.

داده‌ها از راه پرسش‌نامه و تعدادی مصاحبه از صد گویشور خوبی جمع‌آوری شده، شامل (۸۷۴) عبارت خطاب مورد استفاده در ترکی آذری گونه گفتاری خوی است و از این میان (۴۸۲) عبارت مربوط به عبارت‌های خطاب استعاری خاص است. فرضیات پژوهش این است که باورهای سنتی،

-
1. metaphor
 2. conceptual metaphor
 3. cognitive linguistics
 4. address terms

۵. صورت‌های خطاب به کلمات و عباراتی اطلاق می‌شود که برای خطاب قرار دادن افراد استفاده می‌شود.

مذهبی و فرهنگ و عوامل اجتماعی گویشوران خوبی در نوع انتخاب عبارات‌های خطاب استعاری تأثیر دارند، بسامد وقوع انواع طبقات عبارات‌های استعاری مفهومی به ترتیب هستی‌شناختی^۱، ساختاری^۲ و جهت‌ی^۳ هستند، بسامد انواع عبارات‌های خطاب استعاری در گفتار زنان نسبت به مردان هم‌سن خود بیشتر است و حدود نیمی از خطاب‌های استفاده‌شده در زبان ترکی آذری خوی ماهیت استعاری دارند.

برای نخستین بار ارسطو^۴ به معرفی اصطلاح استعاره پرداخت. از نظر ارسطو استعاره آن است که چیزی را به نامی بخوانیم که آن نام در اصل به چیز دیگری تعلق دارد (ساسانی، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۴). به باور سیسرون^۵ نیز استعاره ابزاری برای تأثیر بخشیدن به کلام است. از نظر وی استعاره باید از هرگونه ناپسندی و غموض بری باشد و اگر تناسب در آن رعایت شود یکی از صناعات ادبی است که نقش آن تزئین زبان متعارف است.

لیکاف و جانسون^۶ (۱۹۸۰) عقیده دارند که در طی چندین قرنی که استعاره موضوع مطالعه متفکران مختلف قرار گرفته، می‌توان گفت که خود استعاره در چند حوزه مشخص می‌گنجد. در حال حاضر مطالعاتی که در چند دهه اخیر از منظر زبان‌شناسی درباره استعاره صورت می‌پذیرد استعاره را به‌مثابه بعد مهمی در نظام تصویری ذهن بشر می‌دانند. اساس استعاره، تنها درک و تجربه چیزی بر اساس چیز دیگر است؛ یعنی تمام فرایندهای تفکر انسان اساساً استعاری است. پس استعاره نه فرایندی زبانی، بلکه در وهله اول فرایندی ذهنی است که بعداً نمود زبانی می‌یابد این فرایند ذهنی می‌تواند به صورت عبارات‌های خطاب در بین افراد یک جامعه تجلی یابد.

در بررسی چند دیدگاه قرن بیستم به استعاره از پژوهش عقلی (۱۳۹۲) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بارفیلد^۷ (۱۹۹۴)، استعاره را «تشبیهی که ادات تشبیه از آن حذف شده» می‌نامد. ویل‌رایت^۸ (۱۹۶۲) استعاره را براساس شیوه «دگردیسی معنایی»^۹ طبقه‌بندی می‌کند. به باور بروک^{۱۰} (۱۹۵۸)

1. ontological metaphor
2. structural metaphor
3. orientational metaphor
4. Aristotle
5. Cicero
6. G. Lakoff & M. Johnson
7. O. Barfield
8. W. Wright
9. semantic transformation
10. Brook-Rose

«استعاره، تغییر کلمات است به مدد یکدیگر و غنای نحو هم برخاسته از روش‌هایی است که به این منظور به کار گرفته می‌شوند.»

در زمینه زبان‌شناسی شناختی استعاره می‌توان به این نکته اشاره کرد که پژوهش‌های شناختی استعاره به ترتیب به سه حوزه استعاره به‌مثابه ابزار پردازش اطلاعات، استعاره به‌منزله گونه زبانی و استعاره به‌مثابه ابزار شناخت جهان تقسیم می‌شوند.

گنت‌نر و گرویدین^۱ (۱۹۸۵) استعاره را برخوردار از این پیش‌فرض می‌دانند که آن بازتاب اندیشه استعاری است. سادوک^۲ (۱۹۹۳) استعاره را خارج از حوزه مطالعات زبان‌شناختی در نظر می‌گیرد. اولمان^۳ (۱۹۶۴) مفهوم استعاره را با توجه به تشابه و مجاورت می‌داند. از دیدگاه ریچاردز (۱۹۳۶) استعاره حاصل زبان است نه تصویرسازی^۴.

از نظر بلکس (۱۹۵۴) در یک جمله، استعاره نوعی تعامل میان موضوع اولیه و موضوع ثانویه است. جرالند سیریل^۵ (۱۹۸۴) استعاره را نوعی بیان غیر مستقیم می‌داند و این ویژگی، یعنی غیر مستقیم بودن، فصل مشترک آن با برخی رفتارهای غیر زبانی است و براساس نظر او استعاره در واقع نوعی گسست میان معنای تحت‌اللفظی و معنای مورد نظر گوینده است. از نظر کوهن^۶ (۱۹۸۴) استعاره را باید در چارچوب زبان، یعنی در مجموعه قواعد مربوط به توانش زبانی تبیین کرد و نه در چارچوب گفتار. دیوید روملهات^۷ (۱۹۸۴) از دیدگاهی مبتنی بر روان‌شناسی به موضوع استعاره می‌نگرد. مایکل ردی^۸ (۱۹۸۴) از جمله کسانی بود که به تحلیل‌های شناختی از استعاره توجه داشت. شمیسا (۱۳۷۴) به استعاره‌هایی همچون انسان‌پنداری اشاره می‌کند.

کوروش صفوی (۱۳۸۷) درخصوص ویژگی‌های استعاره، استعاره‌ها را دارای مختصات کاملاً منسجم و نظام‌مند می‌داند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: الگوشدگی^۹، سامان‌یافتگی^{۱۰}، تقارن‌ناپذیری^{۱۱} و انتزاع‌زدایی^{۱۲}. قاسم‌زاده (۱۳۷۹) در تبیین استعاره به پنج ویژگی آن اشاره کرده

1. D. Gentner & J. Grudin

2. B. Sadock

3. S. Ulmann

4. imagery

5. J. Searle

6. L. J. Cohen,

7. D. Rumelhart

8. M. Reddy

9. conventionality

10. systematicity

11. asymmetry

12. abstraction

است که عبارت‌اند از: نوظهوری^۱ (تازگی یا غرابت)، ناهمخوانی^۲، مشابهت^۳، مناسبت یا ارتباط^۴ و تلفیق^۵.

در زمینه خطاب، مشیری (۱۳۵۸) کاربرد عناوین خطاب را در سه طبقه، در سه سطح مختلف به طور مفصل مطالعه و هنجارهای خطابی را در روابط خانوادگی آنها بررسی کرده است. کشاورز (۱۳۷۱) صورت‌های خطاب و ضمائر شخصی فاعلی را در زبان فارسی از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان بررسی کرده است. در این پژوهش عبارتهای خطاب گویسورانی که با استفاده از این صورتهای و انتخاب ضمیرهای خطابی خاص حالات عاطفی و احساسات درونی خود را به مخاطب نشان می‌دهند و بازگوکننده موقعیت اجتماعی گوینده و مخاطب و نوع رابطه آنها هستند، بررسی شده است.

اسماعیلی (۱۳۷۹) به کاربرد یک‌سویه و دوسویه صورتهای خطاب پرداخته است. شرفی (۱۳۸۱) اصطلاحات خطاب را اصطلاحات خاصی می‌داند که به وسیله آنها، افراد معینی مخاطب قرار می‌گیرند؛ در حالی که موقعیت و منزلت اجتماعی افراد لحاظ می‌شود. احمدخانی (۱۳۹۳) رفتار خطاب را در گونه گفتاری فارسی در ده نوع اصطلاح خطاب مکالمات روزمره بررسی کرده است. نوشتار پیش رو ضمن تکامل بخشیدن به پژوهش‌ها و نظرات پیشین، برای اولین بار به تفکیک عبارتهای خطاب به استعاری و غیر استعاری و بررسی استعاره در پدیده اجتماعی عبارتهای خطاب استعاری از منظر زبان‌شناسی شناختی با سه هدف کشف انواع استعاره‌های مفهومی بر اساس تقسیم‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، بسامد آنها در گروه‌های سنی مختلف مردان و زنان و میزان وقوع عبارتهای خطاب استعاری در رابطه با کل آنها در زبان ترکی آذری گونه گفتاری خوی اقدام کرده است.

۲- روش پژوهش

روش پژوهش از نوع تحلیل محتوا است و بر مبنای نتیجه از نوع نظری و کاربردی است و از لحاظ هدف توصیفی، تبیینی و اکتشافی است. بر مبنای داده‌ها این پژوهش از نوع کمی و کیفی (دووجهی)

1. novelty
2. incongruity
3. similarity
4. relationship
5. integration

است و داده‌ها به صورت میدانی با پرسش‌نامه محقق‌ساخته با الگوگیری از احمدخانی (۱۳۹۳) و افراشی و دیگران (۱۳۹۴) شامل پانزده رابطه متفاوت دو نفری در دو بعد محتوایی مانند ذکر جنسیت، سن، تحصیلات و فرایندی مانند ذکر بافت مکالمه، طرف مقابل و کنش‌های بیرونی دیگر که موجب انتخاب عبارت خطاب مناسب می‌شوند، گردآوری شده است. پرسش‌نامه‌ها به طور مساوی از نظر جنسیت در رده‌های سنی جوان و میان‌سال میان صد گویشور در شهرستان خوی توزیع شد. از چند نفر هم به طور مساوی از نظر جنسیت در رده‌های سنی جوان و میان‌سال مصاحبه شفاهی انجام گرفت. تحصیلات افراد مورد بررسی از کم‌سواد تا فوق‌لیسانس است.

۳- چارچوب نظری

در این بخش، به مباحث نظری در زمینه استعاره، نگاشت استعاری، نظریه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، استعاره مفهومی و انواع آن و عبارت خطاب و انواع آن پرداخته می‌شود.

۳-۱- استعاره

با تولد زبان‌شناسی شناختی در دهه هفتاد میلادی، استعاره همواره به‌مثابه موضوع کانونی این حوزه مطرح بوده است، زیرا براساس نظریات معاصر استعاره جنبه مفهومی و متعارف دارد و بخشی از نظام متعارف ذهن و زبان را تشکیل می‌دهد، آن‌گونه که دستگاه مفهومی روزمره ما را که شامل انتزاعی‌ترین مفاهیم می‌شود، ساخت‌مند می‌سازد. در حالی که استعاره در گذشته به‌منزله یک ساختار خاص زبانی در متون ادبی و فلسفی مورد توجه خاص دانشمندان بوده است. نکته آغاز نگاه جدید به استعاره در حوزه زبان‌شناسی شناختی را می‌توان رویکردی دانست که لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در کتاب استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم مطرح کردند.

استعاره‌های مفهومی در لایه‌های ذهنی بررسی می‌شوند و همگی آن‌ها بازنمود زبانی پیدا نمی‌کنند، بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و رسوم اجتماعی و نمادها نیز حضور می‌یابند؛ زیرا نظام مفهومی ذهن تا حدود قابل توجهی استعاری است (زولتان کوچش^۱، ۲۰۱۰: ۶۳).

۳-۲- نگاشت

مهم‌ترین مسئله مطرح‌شده در نظریه استعاره مفهومی، نگاشت^۲ است. این اصطلاح از ریاضیات به

زبان‌شناسی وارد شده است و به مجموعه‌ای از تناظرهای موجود بین دو طرف استعاره اشاره می‌کند؛ برای مثال، مفهوم انتزاعی [توانایی انجام‌دادن بیشتر کارها به‌وسیلهٔ یک نفر] در عبارت خطاب استعاری زیر برای خطاب به کسی که از چنین توانایی‌ای برخوردار است، در خطاب زیر نهفته است: - بیزیم آچار فرانسه هارداسان؟ «آچار فرانسهٔ ما کجایی؟»

در این جمله از زبان ترکی، شاهد دو حوزهٔ مفهومی هستیم. یکی مفهوم انتزاعی و ناملموس [بلد بودن کارهای بیشتر یک نفر] که حوزهٔ مبدأ را تشکیل می‌دهد و دیگری مفهوم ملموس و آشنای [آچار فرانسه همه‌جور پیچ باز می‌کند] که حوزهٔ مقصد^{۳۲} است. در اینجا اطلاعات از حوزهٔ مبدأ بر حوزهٔ مفهومی مقصد نگاشت می‌شود؛ بدین ترتیب اشاره به توانایی انجام‌دادن کارهای سخت و آسان و رفع موانع کار به‌وسیلهٔ فرد خطاب شده به‌مثابهٔ هدف از به‌کارگیری عبارت خطاب «آچار فرانسه» در نظر گرفته می‌شود.



شکل (۱). نگاشت استعارهٔ اولیه

۳-۳- نظریهٔ لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در کتاب استعاره‌هایی که ما با آن‌ها زندگی می‌کنیم نظری نو به تعبیرات استعاری بخشیده‌اند. از نظر آن‌ها استعاره، عنصری بنیادین در مقوله‌بندی ما از جهان خارج و فرایندهای اندیشیدن ماست. لیکاف و جانسون تشبیه را صورت صریح‌تر استعاره و مشتق از آن می‌دانند و معتقدند که تصورات و تعبیرات استعاری نه تنها مقوله‌های زبانی هستند؛ بلکه اساس تفکر و رفتار آدمی را نیز تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب از آنجا که تفکرات، تجارب و فرهنگ هر ملت، خاص همان ملت است، ناگزیر شیوهٔ بازتاب آن‌ها در زبان آن ملت نیز مخصوص همان زبان بوده و تشکیل تصورات استعاری در آن زبان با زبان‌های دیگر متفاوت خواهد بود. شناخت حوزه‌های مفهومی ذهنی، مبنای استعاری دارد و نظام مفهومی محصول عملکرد مفهوم‌سازی استعاری است. این

1. target domain
2. source domain

نظام مفهومی نقش اصلی در تبیین واقعیت‌های روزمره زندگی دارد و از آنجا که این نظام، ساختاری استعاره‌ای دارد، شیوه اندیشیدن، تجربه اندوختن و عمل کردن ما نیز زیربنای استعاره‌ای دارد (افراشی، ۱۳۹۵: ۶۶). در این نظریه، استعاره به ساز و کار بنیادی در شکل‌گیری گفتمان و همچنین در شناخت ما از جهان تبدیل شده است (سجودی، ۱۳۸۷: ۶۰).

در تقسیم‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، از انواع استعاره‌ها، استعاره‌ها براساس کارکرد شناختی‌شان به سه دسته ساختاری، هستی‌شناختی و جهت‌تقسیم می‌شوند. طبقه‌ای دیگر با عنوان استعاره‌های تصویری^۱ می‌توان به آن‌ها اضافه کرد (لیکاف و ترنر^۲، ۱۹۸۹). اینک به شرح مختصری از انواع استعاره‌ها که موضوع یکی از پرسش‌های پژوهش است، می‌پردازیم:

۳-۱- استعاره‌های جهتی

استعاره‌های جهتی استعاره‌هایی هستند که جهت مکانی می‌بخشند و اساس تشکیل آن‌ها موقعیت‌هایی همچون بالا - پایین، جلو - عقب، درون - بیرون، عمیق - کم‌عمق، مرکزی - پیرامونی است. این استعاره‌ها کل نظام مفاهیم را نسبت به هم شکل‌دهی می‌کنند و اساس نام‌گذاری آن‌ها ناشی از این واقعیت است که این استعاره‌ها با تعیین موقعیت انسانی (جهت فیزیکی) در ارتباط هستند؛ برای مثال در زبان فارسی استعاره مفهومی «زیاد» در «بالا» قرار دارد و گزاره استعاره‌ای «چربی خونم بسیار بالاست» را تحقق می‌بخشد.

۳-۲- استعاره‌های ساختاری

استعاره‌هایی هستند که در آن‌ها یک مفهوم بر اساس مفهوم دیگر فهمیده و تجربه می‌شود. در این‌گونه استعاره‌ها، ساختار دقیق تصویری که در حوزه مبدأ قرار گرفته به ساختار مفهوم انتزاعی حوزه مقصد بازتاب می‌یابد؛ به عبارت دیگر بین دو گشتالت تجربی که یکی از ابعاد دقیق‌تر و دیگری ابعاد نامشخص‌تر دارد ارتباط برقرار شده و بخشی از گشتالت حوزه مقصد از روی ساختار دقیق حوزه مبدأ الگوبرداری نسبی می‌شود. در واقع هرگاه مفهومی انتزاعی برحسب مفهوم انتزاعی دیگری درک شود، تعبیرات استعاره‌ای حاصل، از نوع استعاره ساختاری خواهد بود؛ برای مثال در زبان فارسی گزاره‌های «وقت طلاست» و «کار سرمایه جاودانی است» از این نوع هستند.

1. imagery metaphor

2. G. Lakoff & M. Turner

۳-۳-۳- استعاره‌های هستی‌شناختی (وجودی)

در استعاره‌های هستی‌شناختی مفاهیم و تجارب‌مان را در قالب اشیاء، مواد و چیزهای مستقل درک می‌کنیم. در شکل‌گیری استعاره‌ها، ذهن، پدیده‌ها و تصوّرات انتزاعی را به صورت اجزاء و مواد مفهوم‌سازی می‌کند. مبنای تجربی این استعاره‌ها ناشی از یکی از بدیعی‌ترین توانایی‌های بشری، یعنی توانایی طبقه‌بندی و مرزبندی^۱ است. انسان به طور طبیعی گرایش دارد که این مرزبندی را بر جهان خارج اعمال کند؛ یعنی ذهن، آن‌ها را به صورت مرزبندی‌شده و در نتیجه به صورت یک جزء مشخص در نظر می‌آورد و استعاره وجودی «الف، ب است.» شکل می‌گیرد. به تصویر کشیدن اتّفاقات، فعالیت‌ها، احساسات و عقاید برحسب وجودهای ملموس باعث به وجود آمدن استعارات هستی‌شناختی می‌شود؛ برای مثال در زبان فارسی جمله «مرگ دارد نزدیک می‌شود.» از تصوّر استعاری متعارفی به دست آمده که نگاشت آن «مرگ موجودی زنده است.» است. در این نگاشت، درک مفهوم انتزاعی و مجرد «مرگ» از راه شیء دیگری یعنی «موجود زنده» حاصل می‌شود.

۳-۴- تأثیر عوامل و الگوهای فرهنگی در درک و شناخت استعاره

هر استعاره عامل فرهنگی‌ای در ذهن ایجاد می‌کند که زنجیره رفتاری بر اساس آن برنامه‌ریزی می‌شود. کوین و هولند^۲ (۱۹۸۷) بر این باور هستند که الگوهای فرهنگی، الگوهای مسلّم و پیش‌انگاشته جهان هستند که اعضای یک جامعه در آن سهیم‌اند و با درک خود از آن، نقش بزرگی در آن بازی می‌کنند (اسدی مطلق، ۱۳۸۹).

فرهنگ از سه جنبه بر استعاره تأثیرگذار است. جنبه اول مربوط به مفاهیم اولیه و ثانویه‌ای است که بر یکدیگر پیوند می‌خورند تا از راه آن شخص بتواند مفهوم انتزاعی یک عبارت را در فرهنگ خاصی توصیف کند. جنبه دوم به چگونگی ارزش‌گذاری این مفاهیم مربوط می‌شود و جنبه سوم به میزان رواج استعاره در این ارزش‌گذاری مرتبط است (بوئرز،^۳ ۲۰۰۳).

۳-۵- خطاب و عوامل مؤثر بر آن

شناخت فرهنگ، ایدئولوژی، باورهای قومی، روابط اجتماعی و... به شناخت جامعه و درک روابط میان افراد در جوامع زبانی کمک فراوانی می‌کند. دانستن اینکه افراد چگونه باب گفتگو را باز می‌کنند

1. marginalization

2. N. Quinn & D. Holland,

3. R. Boers

یا چگونگی و با استفاده از کدام مقوله‌ها همدیگر را مورد خطاب قرار می‌دهند، موضوعی بسیار مهم در روابط اجتماعی بین افراد به شمار می‌رود. افراد با استفاده از مقوله‌های خطاب مانند اسامی کوچک^۱، نام خانوادگی^۲، عبارات خویشاوندی^۳، اسامی تحیب^۴، کوتاه‌شدگی^۵، عناوین^۶، اسامی مذهبی^۷، اسامی حرفه‌ای^۸، عناوین احترام‌آمیز^۹، عبارات استعاری خاص^{۱۰} عبارت‌های معکوس^{۱۱} و موارد دیگر با در نظر گرفتن نقش خود و مخاطب در محیط‌های مختلف و در برخی موارد در روابط نابرابر قدرت (بالادست و پایین‌دست) به انتخاب مقوله‌های مناسب دست می‌زنند. صورت‌های خطاب به نوعی سرمایه عاطفی هستند که می‌توانند دیگران را در ارتباط در جایگاهی مطمئن‌تر قرار دهند و وسیله حفظ وجهه^{۱۲} شوند. از آنجا که هر جامعه‌ای به دلیل داشتن دیرینه متفاوت فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، مذهبی، عاطفی و... می‌تواند به شیوه خاص خود از عبارت‌های خطاب استفاده کند، نگارندگان در پژوهش حاضر برآن هستند که عبارت‌های خطاب استعاری مورد استفاده در زبان ترکی آذری گونه گفتاری خوی را استخراج کرده و آن‌ها را از جنبه‌های مشخص شده تحلیل کنند.

۳-۶- تأکید بر نقش عاطفی کاربرد عبارت‌های خطاب

عبارت‌های خطاب، مکانیسم‌های زبانی مهمی هستند که گویشوران از راه آن نگرش و برداشت خود را در مورد رابطه خود با مخاطب منعکس می‌کنند. انتخاب نامناسب عبارت‌های خطاب ارتباط خوب بین گوینده و شنونده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. صورت‌های خطاب هم شاخص رابطه اجتماعی بین گوینده و شنونده با توجه به فاصله موقعیتی و اجتماعی هستند (احمدخانی، ۱۳۹۳).

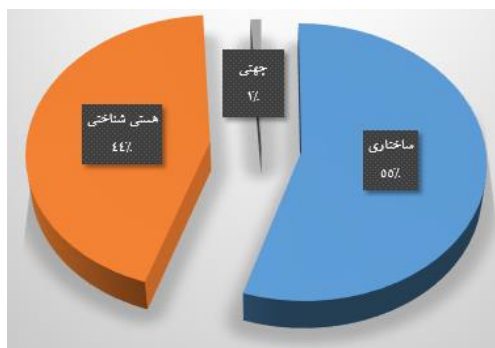
سن مرجوع در انتخاب صورت محترمانه در خطاب مؤثر است. این امر منعکس‌کننده این دیدگاه سنتی است که به افراد بزرگ‌تر باید احترام گذاشت. بزرگسالان مؤثرت نیز در برخی شرایط نسبت به بزرگسالان مذکر بیشتر در خطاب از صورت‌های احترام‌آمیز استفاده می‌کنند. انتخاب صورت‌های

-
1. first names
 2. last names
 3. kinship terms
 4. pet names
 5. abbreviated first names
 6. titles
 7. religious terms
 8. job terms
 9. honorifics or terms of formality
 10. special nicknames
 11. reverse address terms
 12. face

احترام‌آمیز در خطاب به منظور نشان دادن فاصله اجتماعی نیز مؤثر است. در میان اعضای خانواده نیز رابطه همبستگی تا حدودی تحت تأثیر احترام در خطاب است. پایین دست به تناسب سلطه‌ای که بالادست نسبت به او دارد، از صورت‌های احترام‌آمیز در خطاب استفاده می‌کند. استفاده بالادست از صورت‌های احترام‌آمیز خطاب برای مخاطب قرار دادن زیردست می‌تواند دو معنای متفاوت داشته باشد: الف: خود پایین‌آوری و ب: بالابری دیگران (عقیلی، ۱۳۹۲).

۴- تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌ها با سه هدف کشف انواع استعاره‌های مفهومی، بسامد استعاره‌های مفهومی در دو گروه سنی مردان و زنان جوان و میان‌سال و میزان وقوع عبارات‌های خطاب استعاری در رابطه با کل عبارات‌های خطاب به دست آمده در گونه گفتاری زبان ترکی آذری خوی تجزیه و تحلیل می‌شوند. در مجموع از صد نفر که پنجاه نفر زن و پنجاه نفر مرد بودند نمونه‌گیری انجام گرفت و در حدود (۸۷۴) عبارت خطاب استخراج شد. از بین آن‌ها (۴۸۲) عبارت مربوط به عبارات‌های خطاب استعاری بودند. در این میان، استعاره‌های ساختاری با (۲۶۷) مورد، از کل انواع استعاره‌های مفهومی از بیشترین بسامد را داشتند و استعاره‌های هستی‌شناختی با (۲۱۲) مورد و استعاره‌های جهت‌ی با (۳) مورد، به ترتیب در رده‌های بعدی قرار داشتند. نمودار (۱) بازگوکننده درصد هریک از طبقات استعاره‌های مفهومی داده‌های پژوهش است.



نمودار (۱). بسامد وقوع استعاره‌های مفهومی در عبارات‌های خطاب در خوی

در زیر برای هر یک از حوزه‌های مبدأ پیش‌گفته مثالی از داده‌های به دست آمده می‌آوریم:

استعاره مفهومی ساختاری

مفهوم انتزاعی [شرارت و خباثت فرد خطاب‌شده] در خطاب غیر مستقیم ترکی زیر نسبت به یک فرد

شرور و خبیث، مستتر است:

- شیمر گَلَجَجْ؟ «شیمر می‌آید؟»

مبدأ: فرد شرور و خبیث؛ مقصد: شیمر.

در این خطاب استعاری، مفهوم ناملموس مبدأ [شرارت و خبائثت فرد خطاب‌شده] بر مفهوم ملموس و آشنای مقصد [شمر بن ذی الجوشن] نگاشت شده و شاید آگاه ساختن دیگران از انجام‌دادن کارهای شرورانه و بد فرد خطاب‌شده، به‌مثابه هدف از به‌کارگیری عبارت خطاب استعاری «شیمر» نسبت به مخاطب در نظر گرفته شده است.

جدول (۱). نمونه‌هایی از انواع استعاره‌های مفهومی ساختاری به دست آمده از عبارات‌های خطابی ترکی گویشوران خوبی

خطابی ترکی	قلمرو مبدأ	قلمرو مقصد	استعاره مفهومی
ادیسون	آدم مبتکر	ادیسون	ساختاری
اشح آریسی	آدم بی‌فایده و مزاحم	زنبور بی‌عسل	ساختاری
پیکاسو	آدم هنرمند	پیکاسو	ساختاری
عمرو عاص	آدم حیله‌گر	عمرو عاص	ساختاری
قاپان ایت	آدم زود عصبانی بشو	سگ پارسا	ساختاری

استعاره مفهومی هستی‌شناختی

مفهوم نامعلوم و پنهان [اعتیاد فرد خطاب‌شده] در خطاب غیر مستقیم ترکی زیر نسبت به یک فرد معتاد، مستتر است:

- اُ چتیرباز گِنددی اوچا. «آن چتیرباز رفت تا ببرد.»

مبدأ: فرد معتاد؛ مقصد: چتیرباز.

در این خطاب استعاری، با نگاشت مفهوم ناملموس مبدأ [اعتیادداشتن فرد خطاب‌شده] بر مفهوم ملموس و آشنای مقصد [چتیرباز مدّتی را به صورت معلق در هوا پرواز می‌کند] احتمالاً شناساندن هویت فرد خطاب‌شده به اطرافیان، به‌منزله هدف از به‌کارگیری عبارت «چتیرباز» نسبت به مخاطب در نظر گرفته شده است.

جدول (۲). نمونه‌هایی از انواع استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی به دست آمده از عبارات‌های خطابی ترکی گویشوران خوبی

خطابی ترکی	قلمرو مبدأ	قلمرو مقصد	استعاره مفهومی
تیکان	آدم سمج و مزاحم	خار	هستی‌شناختی
داش مشدی	آدم رند و تربیت‌یافته	داش مشدی	هستی‌شناختی
دامار سیز	آدم خونسرد	بی‌رگ	هستی‌شناختی
قره قولاخ	آدم جاسوس	سیاه‌گوش	هستی‌شناختی

استعاره مفهومی جهتی

مفهوم انتزاعی [سربار و مزاحم بودن فرد خطاب‌شده] در خطاب مستقیم ترکی زیر نسبت به یک فرد سربار و مزاحم، مستتر است:

– آقابالاسر خوش گلیسن. «آقابالاسر خوش آمدی.»

مبدأ: فرد سربار و مزاحم؛ مقصد: آقابالاسر

در این خطاب استعاری، مفهوم ناملموس مبدأ [سربار و مزاحم بودن فرد خطاب‌شده] بر مفهوم ملموس و آشنای مقصد [شئی که در بالای سر قرار می‌گیرد و مانع حرکت آزادانه می‌شود] نگاشت شده و احتمالاً تذکر دادن اعمال ناپسند فرد خطاب‌شده، به‌مثابه هدف از به‌کارگیری عبارت خطابی «آقابالاسر» نسبت به فرد خطاب‌شده در نظر گرفته شده است.

سن عامل غیر زبانی است که در پیدایش گوناگونی‌ها و تنوعات زبانی، در سطح یک جامعه نقش به‌سزایی دارد و اعضای جامعه در سنین مختلف، الگوهای رفتاری متفاوتی از خود نشان می‌دهند؛ به عبارتی رفتارهای زبانی در طول زندگی و با گذر از مراحل سنی مختلف، دچار تحوّل می‌شوند. پژوهش حاضر بر روی دو گروه سنی مختلف انجام شده است. گروه سنی الف (حدود ۱۵ تا ۳۵ سال) نماینده گروه سنی زنان و مردان جوان است و گروه سنی ب (حدود ۳۵ تا ۶۰ سال) نماینده گروه سنی زنان و مردان میان‌سال است.

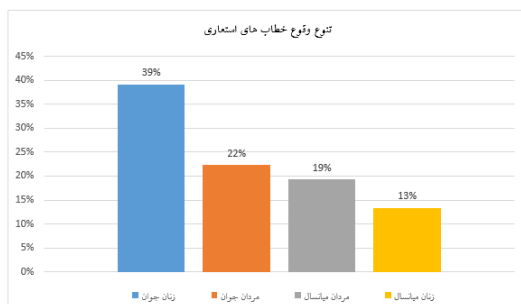
با توجه به داده‌های پژوهش مشخص می‌شود که افراد در سنین جوانی با تحصیلات و نقش‌های اجتماعی کمابیش یکسان با افراد در سنین میان‌سالی از عبارات خطاب استعاری متفاوتی استفاده می‌کنند؛ برای مثال در شهر خوی، در بین زنان جوان کاربرد عبارات‌های خطاب استعاری همچون «دسمال» «دستمال» برای فرد چاپلوس و «هلو» برای دختر زیبا برای خطاب کردن دوست یا همکار آشنا رایج است. این در حالی است که در میان زنان میان‌سال کاربرد خطاب‌های استعاری برای موارد مشابه، مانند (شیرین چای و ماه‌پری) رواج دارد. مردان جوان خوبی نیز از عبارات‌های خطاب استعاری مانند «کهنه‌پالتارچی»، «کهنه‌خر» برای فرد بدلباس و «قره‌قولاخ»، «سیاه‌گوش» برای فرد جاسوس برای خطاب بیگانه استفاده می‌کنند که کاربرد این عبارات‌ها نه‌تنها در بین افراد میان‌سال رواج ندارد؛ بلکه آن‌ها را نابه‌هنجار تلقی می‌کنند و برای این موارد از عبارات‌های خطاب همچون تابلو و آنتن استفاده می‌کنند. در این پژوهش عبارات‌های خطاب غیر استعاری و استعاری فراوانی از راه پرسش‌نامه گردآوری شده است. در جمع‌آوری خطاب‌های استعاری، مشخص می‌شود که میزان

فراوانی و تنوع این عبارتها در بین زنان و مردان جوان (۶۷/۳۹٪) و در بین زنان و مردان میانسال (۳۲/۶۱٪) است. درصد میزان وقوع استعاره‌ها در عبارتهای خطاب در دو رده سنی یادشده به تفکیک جنسیت در گونه گفتاری خوی به ترتیب به شرح زیر است:

زنان جوان < مردان جوان < مردان میانسال < زنان میانسال

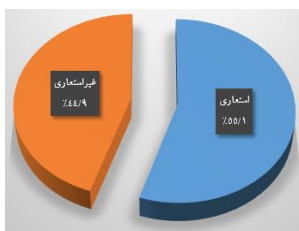
۳۹/۱۷٪ < ۲۲/۲۸٪ < ۱۹/۳۰٪ < ۱۳/۳۱٪

در این پیوستار علامت < به معنای بیشترین وقوع خطابه‌های استعاری است؛ یعنی زنان جوان بیشتر از مردان جوان، مردان جوان بیشتر از مردان میانسال و مردان میانسال هم بیشتر از زنان میانسال از عبارتهای خطاب استعاری استفاده می‌کنند. نمودار (۲) بازگوکننده میزان وقوع و تنوع خطابه‌های استعاری در میان رده‌های سنی زنان و مردان جوان و زنان و مردان میانسال است.



نمودار (۲). درصد وقوع خطابه‌های استعاری در رده‌های سنی جوان و میانسال به تفکیک جنسیت در خوی

در نهایت این موضوع در پژوهش به دست می‌آید که چه میزان از عبارات خطاب در زبان ترکی آذری گونه گفتاری خوی ماهیت استعاری دارند. با بررسی کامل داده‌های پژوهش و تقسیم‌بندی عبارتهای خطاب به دو گروه استعاری و غیر استعاری به کار رفته در بین دو رده سنی زنان و مردان جوان و زنان و مردان میانسال که بیشتر از داده‌های موجود در پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است، مشخص می‌شود که از مجموع (۸۷۴) عبارت خطاب به دست آمده، (۵۵/۱٪) مربوط به عبارتهای استعاری و (۴۴/۹٪) مربوط به عبارتهای غیر استعاری هستند.



نمودار (۳). بسامد وقوع خطابه‌های استعاری و غیر استعاری در خوی

۵- بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که از نتایج حاصل از داده‌ها مشاهده می‌شود، استعاره‌های مفهومی ابزاری پویا و فراگیر برای درک مفاهیم انتزاعی و پنهان در شخصیت افراد در زبان ترکی آذری به شمار می‌روند. در این میان استعاره‌های ساختاری با ۵۵٪ از کل انواع استعاره‌های مفهومی، بیشترین کاربرد را در زبان ترکی آذری گونه گفتاری خوی دارند، استعاره‌های هستی‌شناختی با ۴۴٪ و استعاره‌های جهت‌ی با ۱٪ به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند.

با توجه به نتایج پژوهش، به نظر می‌رسد تفاوت در رفتارها باعث پیدایش گوناگونی و تنوع زبانی در سطح جامعه می‌شود که در راستای سنین مختلف متغیر است. در واقع اعضای یک جامعه در سنین مختلف الگوها و رفتارهای متفاوتی دارند. به عبارتی رفتارهای زبانی در طول زندگی و با گذر از مراحل سنی مختلف دچار تغییر می‌شوند. در پژوهش حاضر نیز با توجه به جامعه آماری پژوهش، درصد میزان وقوع عبارات خطاب استعاری و غیر استعاری در سنین مختلف، متفاوت بود.

تنوع گفتارهای خطاب استعاری هم در بین افراد به چشم می‌خورد. زنان جوان عبارات‌های خطاب استعاری را در برقراری روابط دوستانه بین هم به کار می‌برند که در بین مردان جوان رایج نبود و برعکس مردان جوان هم از عبارات‌های خطاب استعاری استفاده می‌کردند که در میان زنان جوان وجود نداشت. این مسئله در بین مردان و زنان میان‌سال هم به طور چشم‌گیر دیده می‌شود. در ادامه پژوهش با بررسی استعاره‌های خطابی با توجه به تقسیم‌بندی لیکاف از استعاره‌های مفهومی و کاربرد استعاره‌ها با بسامدهای متفاوت در گفتار روزمره، با توجه به سه نوع استعاره مفهومی، «هستی‌شناختی»، «ساختاری» و «جهتی» این نتیجه به دست آمد که کاربرد این نوع استعاره‌ها با توجه به سنین متفاوت در عبارات‌های خطاب استعاری گونه گفتاری خوی بسیار متغیر است؛ همچنین باید گفت که سن مرجوع در انتخاب صورت محترمانه در خطاب‌های استعاری مؤثر است. این امر منعکس‌کننده این دیدگاه سنی در خوی است که باید به افراد بزرگ‌تر احترام گذاشت. کاربرد عبارات‌های خطاب استعاری احترام‌آمیز در رابطه با افراد میان‌سال برای نشان دادن فاصله سنی این افراد با گروه جوان‌ترها است.

در میان اعضای یک خانواده نیز استفاده از عبارات‌های خطاب استعاری تنها تا حدودی تحت تأثیر احترام در خطاب قرار می‌گرفت و در بیان آن‌ها عوامل دیگری وجود دارد که ناشی از تفاوت‌های اجتماعی و عقیدتی در خانواده‌ها است. اسماعیلی (۱۳۷۹) به این نکته اشاره می‌کند که کاربرد یک

سویه صورت‌های خطاب در میان فرزندان و والدین نشان‌دهنده قدرت و حاکمیت بر فرزندان و احترام کوچک‌ترها به بزرگ‌ترها است و کاربرد دوسویه عبارت‌های خطاب در میان خواهران و برادران نشان‌دهنده صمیمیت و نزدیکی طرفین خطاب است. حتی در بیان برخی عبارت‌های خطاب استعاری، برای مثال در روابط بین فرزندان و والدین و برعکس، روابط دوستانه و عاطفی دیده نمی‌شود. در برخی موارد فرزندان، والدین خود را با خطاب‌های استعاری تحقیرآمیز مانند عبدالله و ننه صدا می‌زنند یا والدین از خطاب‌های تحقیرآمیز برای بیان احساس نارضایتی خود نسبت به فرزندان استفاده می‌کنند. کاربرد خطاب‌های استعاری همچون دوختور «دکتر» برای فرزند درس‌نخوان و تابوت‌زینگر «زن‌گوله تابوت» برای فرزند کوچک با شیطنت زیاد، از این دسته‌اند. عوامل متعددی در بروز این نوع خطاب‌ها نقش دارند که منجر به بروز تابوها و بیان خطاب‌های نابه‌هنجار می‌شود.

در پژوهش حاضر در بیان استعاره‌های خطابی بین زنان و مردان جوان و میان‌سال مشاهده می‌کنیم که در بیان برخی از این خطاب‌ها نه تنها به موقعیت و منزلت اجتماعی مخاطب توجهی نمی‌شود؛ بلکه جنبه غرض‌ورزی و کینه‌توزانه دارند. بیان این نوع خطاب‌ها بیشتر به وسیله اقشار پایین جامعه در خطاب به طبقات سطح بالای جامعه صورت می‌گیرد. شاید یکی از دلایل بروز این نوع خطاب‌ها تلاش افراد فرودست برای ایجاد فضای دوستانه و نزدیک ساختن سطح طبقاتی‌شان با اقشار فرادست جامعه باشد. افراد فرودست با بیان این نوع خطاب‌ها می‌کوشند که موقعیت فرودستی خود را در قالب خطاب‌های استعاری توهین‌آمیز و دور از شأن مخاطب پنهان کنند و دست به تحقیر افرادی بزنند که در موقعیت‌های فرادستی جامعه قرار دارند. خطاب‌های استعاری انگل، اقدس، داش‌مشدی و رستم از این دسته‌اند.

در خاتمه پس از بررسی کامل داده‌های پژوهش و تقسیم‌بندی عبارت‌های خطاب به دو گروه استعاری و غیر استعاری، مشاهده شد که بیش از نیمی از عبارت‌های استفاده‌شده خطابی در زبان ترکی خوی ماهیت استعاری دارند و این امر در داده‌های پژوهش به طور کامل مشخص است.

منابع

- احمدخانی، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی عبارات خطاب در فارسی گفتاری محاوره‌ای، *زبان-شناخت*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵ (۱)، ۱-۱۸.
- اسدی مطلق، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی روند درک کودک و نوجوان از استعاره در زبان فارسی. پایان‌نامه

دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

اسماعیلی، علی (۱۳۷۹). صورت‌های خطاب در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه.

-----؛ سیدمصطفی عاصی و کامیار جولایی (۱۳۹۴). استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی؛ تحلیلی

شناختی و پیکره‌مدار؛ زبان‌شناخت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶ (۲)، ۳۹-۶۱.

----- (۱۳۹۵). مبانی معناشناسی شناختی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ساسانی، فرهاد (۱۳۸۳). استعاره؛ مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی. تهران: سوره مهر.

سجودی، فرزانه (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: نشر علم.

شرفی، ساسان (۱۳۸۱). بررسی میزان همبستگی عوامل فرهنگی - اجتماعی و صورت‌های خطاب در زبان

عربی - اهوازی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). کلیات سبک‌شناسی. تهران: فردوس.

صفوی، کوروش (۱۳۸۷). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.

عقیلی، سیدعلی (۱۳۹۲). بررسی استعاره در عبارات خطاب زبان فارسی گفتاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد

زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور.

قاسم‌زاده، حبیب‌الله (۱۳۷۹). استعاره و شناخت. تهران: فرهنگیان.

کشاوری، محمد حسین (۱۳۷۱). رابطه متقابل زبان و جامعه، مروری بر نقش اجتماعی ضمائر شخصی و

صورت خطاب. مجله زبان‌شناسی، ۹ (۱۸)، ۴۰-۵۱.

مشیری، مهشید (۱۳۵۸). خطاب در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه

تهران.

References

- Boers, F. (2003). Applied Linguistics perspectives on Cross-Cultural Variation in Conceptual Metaphor. *Metaphor and Symbol, 18*.
- Brook-Rose, C. (1958). *A Grammar of Metaphor*. London: Secker & Warburg.
- Cohen, J. (1984). *The Semantics of Metaphor*, In A. Ortony (ed.), *Metaphor and Thought*, pp.64-77. Cambridge university press.
- Gentner, D. & J. Grudin (1985). *The Evolution of Mental Metaphors in Psychology: A 90-year Retrospective*. American psychologist, 40.
- Holland, D. & Quinn, N. (1987). Culture and cognition. In N. Quinn & D. Holland (Eds.), *Cultural models in language and thought* (pp. 3-42). New York: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction*, 2nd. Edition, Oxford University press.
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors, We Live By*. Chicago, IL: University Of

Chicago press.

----- & M. Turner (1989). *More Than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago, IL: University Of Chicago press.

Reddy, M. J. (1979/1993). The conduit metaphor: A case of frame conflict in our language about language. In: Andrew Ortony (Ed.) *Metaphor and Thought* (pp. 164-201).

Searle, J. (1984). Metaphor. In A. Ortony (ed.), *Metaphor and Thought*, 76-116.